

**Narration Center in Prophet
Ibrahim (As) Story Based on
Genette's View**

S. Farhangi¹, Z. Kazempour²

**کانون روایت در داستان حضرت ابراهیم
(ع) بر اساس دیدگاه ژنت**

سهیلا فرهنگی^۱، زینب کاظم‌پور^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۰/۰۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۷/۰۵

چکیده

یکی از ویژگی‌های قرآن استفاده از قالب داستان است. خداوند متعال بسیاری از وقایع و رویدادها را در قرآن کریم به شکل داستان و برای دعوت مردم به زندگی صالح نقل کرده که بیانگر اهمیت روایتگری و نقش پررنگ آن در هدایت غیرمستقیم انسان‌هاست. یکی از داستان‌هایی که در سوره‌های متعدّد قرآن آمده، داستان حضرت ابراهیم (ع) است. این پژوهش در پی آن است که داستان تولّد حضرت ابراهیم (ع) را از دیدگاه روایت‌شناسی ژرار ژنت بررسی کند. برای این منظور، ابتدا چگونگی تولّد حضرت ابراهیم (ع) با توجه به آیات و روایت نقل شده است. سپس سطوح روایت‌شناسی ژنت؛ یعنی روایت، داستان و عمل روایتی و در ادامه مؤلفه‌های رابط این سطوح «زمان دستوری»، «وجه و حال و هوا» و «صدا و لحن» در داستان تولّد حضرت ابراهیم (ع) تحلیل و بررسی شده است.

Abstract

Using story format is one of features of Quran. God has narrated many events in Quran in form of stories in order to invite people to the good life which shows the importance and role of narration in indirect guidance of Humans. Birthday of Prophet Ibrahim (AS) has narrated many times in various verses of Quran. This research aims to study the Prophet Ibrahim's Birthday form Gérard Genette narratology views. Thus, first of all, birthday of Prophet Ibrahim is mentioned via verses and narrations. Then, Genette's narratology levels, i.e. narrations and story. This followed by analyze of related components "grammatical tense", "theme" and "tones" in the story.

Keywords: Story, narration center, Prophet Ibrahim (AS), Genette.

کلیدواژه‌ها: قصّه، کانون روایت، حضرت ابراهیم (ع)، ژنت.

1. Assistant Professor of Persian Language and Literature, University of Payam Noor.

2. M.S. of Persian Language and Literature at Payam Noor University.

۱. استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام‌نور (نویسنده مسئول)
s_farhangi@pnu.ac.ir

۲. کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور
kazempoorzinab@yahoo.com

مقدمه

کتاب‌ها و آثار زیادی درباره قرآن نوشته شده که در آنها به اعجاز قرآن و جنبه‌ها و جلوه‌های گوناگون آن پرداخته شده است؛ اما عمده این آثار، بنابر شکل و محتوایشان، بیشتر به دین‌شناختی قرآن پرداخته‌اند تا به مسائل ادبی و زبان‌شناختی آن (میر، ۱۹۸۶: ۵۰). یکی از جلوه‌های هنری قرآن، قصص قرآنی است که سرشار از زیبایی‌هایی ظاهری و مفاهیم ارزشمند معنوی است و نقش مهمی در هدایت انسان‌ها به سوی سرچشمه کمال برعهده دارد. یکی از معانی قصه، چیدن موی است. موی پیشانی را نیز قصه گفته‌اند. «در این معنا، قصه به گونه‌ای مجازی، یعنی بهترین یا زیباترین بخش از کلام، مانند موی سر که در پیشانی زیبایی ایجاد می‌کند. در قرآن کریم احسن القصص، یعنی بهترین قصه‌ها یا بهترین نوع قصه‌گویی» (تمیم‌داری، ۱۳۷۹: ۱۹).

اصطلاحاتی نظیر داستان، قصه، افسانه، حکایت، سمر، سرگذشت، ماجرا، مثل، مثل، اسطوره، حدیث، انگاره، خرافه، حسب حال و ترجمه احوال در اکثر فرهنگ‌های فارسی مترادف یکدیگر آورده شده و فرهنگ‌نویسان وجوه افتراق خاصی برای آنها قائل نشده‌اند. از نظر میرصادقی به آثاری که در آنها بر حوادث خارق‌العاده بیش از تحول و پرورش اشخاص تأکید می‌شود، قصه می‌گویند (میرصادقی، ۱۳۷۶: ۴۴). بعضی از محققان نیز داستان را نوشته‌ای می‌دانند که در آن ماجراهای زندگی به صورت حوادث مسلسل گفته می‌شود؛ این طرز تلقی از داستان، شمولی وسیع به آن خواهد داد. به این معنی که داستان هم شامل حکایت، افسانه و اسطوره (خواه منظوم و خواه مثنوی) خواهد بود و هم شامل قصه به معنای امروزی آن یعنی رمان (ملبوی، ۱۳۷۶: ۱۷). روایت می‌تواند به شکل‌های

متفاوتی از جمله کلام گفتاری یا نوشتاری، تصویر متحرک یا ثابت، ایما یا اشاره یا آمیزه سامان‌یافته‌ای از تمامی این گروه‌ها ارائه شود. می‌توان گفت حضور روایت همچون زندگی، بین‌المللی، فراتاریخی و ورافرهنگی است. (آسابرگر، ۱۳۸۰: ۴۵) داستان حضرت ابراهیم (ع) از داستان‌های جذاب و پندآموز قرآنی است که شامل ماجراهای فرعی فراوانی از قبیل ماجرای تولد حضرت ابراهیم (ع)، ماجرای بت‌شکنی حضرت ابراهیم (ع)، ماجرای در آتش افکنده شدن او و ... است که در این مقاله به ماجرای تولد حضرت ابراهیم (ع) بر اساس دیدگاه روایت‌شناسی ژرار ژنت پرداخته می‌شود.

پیشینه تحقیق

درباره روایت‌شناسی متون داستانی بر اساس نظریه ژنت مقالاتی نوشته شده است، از جمله مقاله «کانون روایت در الهی‌نامه عطار بر اساس نظریه ژنت» (علیزاده و سلیمان، ۱۳۹۱) و «روایت‌شناسی یک داستان کوتاه از هوشنگ گلشیری بر اساس نظریه ژرار ژنت» (دزفولیان و مولودی، ۱۳۹۰). درباره روایت‌شناسی قصه‌های قرآنی نیز می‌توان به مقاله «احسن القصص؛ رویکرد روایت‌شناختی به قصص قرآنی» (حرّی، ۱۳۸۷)، «ساختار روایت در قصه‌های قرآن مجید» (غلامرضا، ۱۳۸۹) و «سنخ‌شناسی و وجوه تمایز قصص قرآنی» (حرّی، ۱۳۸۸) اشاره کرد؛ اما درباره روایت‌شناسی داستان حضرت ابراهیم (ع) براساس دیدگاه ژنت تا کنون مقاله‌ای منتشر نشده است.

چگونگی تولد حضرت ابراهیم (ع)

حضرت ابراهیم از پیامبران اولوالعزمی است که داستانش در سیزده سوره قرآن آمده است: بقره/۱۲۴ و

در اطراف شهر پناه آورد. نخستین روز ذی‌الحجه فرارسید و خلیل‌الله (ع) با قدم خود دنیا را منور کرد و آیین توحیدی را قوت بخشید. مادرش چند روزی در کنار او ماند و از ترس مأموران نمرود نتوانست وی را به منزل منتقل کند. سرانجام برای حفظ او تصمیم گرفت که او را در پارچه‌ای پیچد و درون همان غار بگذارد و برای حفظ او از گزند جانوران، در غار را با سنگ‌هایی مسدود کرد و به شهر بازگشت. ابراهیم (ع) به قدرت الهی انگشت ابهامش را می‌مکید و از همان طریق تغذیه می‌کرد و به اندازه چندین برابر دیگران رشد می‌کرد. مادر هم، هر چند روز یک بار مخفیانه به دیدن فرزندش می‌رفت و به او شیر می‌داد و نوازشش می‌کرد. به این ترتیب این مادر و پسر، در آن دوران وحشتناک با تحمل مشقت‌ها و رنج‌های گوناگون، به زندگی خود ادامه دادند تا اینکه ابراهیم (ع) دوران کودکی را پشت سر گذاشت و به سیزده سالگی رسید. یک روز ابراهیم (ع) دامن مادر را گرفت و از او خواست که وی را به خانه ببرد، ولی مادر نگران بود و از خطر نمرودیان ایمن نبود. پس گفت: نور دیده! صبر کن، تا در این باره با سرپرستت (آزر) مشورت کنم و راه‌های انتقال به خانه را بررسی کنم. اگر صلاح باشد، بعد نزدت می‌آیم و تو را به شهر می‌برم. تا اینکه در یکی از دیدارها در حالی که هوا رو به تاریکی می‌رفت، ابراهیم (ع) را از غار بیرون برد و با خود به خانه آورد، ولی ابراهیم (ع) از دیدن ستارگان و ماه، و فردایش از دیدن خورشید، خداشناسی و توحید را در عالم آن روز ترسیم کرد و گفت: همه اینها دلیل خداشناسی است و نشان می‌دهد که آفریدگاری این اجرام آسمانی را پدید آورده است. قرآن مجید آن لحظه را در چند آیه بازگو می‌کند. (انعام/ ۷۴-۸۰)

۲۶۰ - ۲۵۸، انبیا/ ۷۱ - ۵۱، انعام/ ۸۳ - ۷۴، عنکبوت/ ۲۷ - ۱۶، شعرا/ ۸۹ - ۶۹، زخرف/ ۲۸ - ۲۶، مریم/ ۴۹ - ۴۱، ابراهیم/ ۳۸ - ۳۵ و ۴۹ - ۴۷، صافات/ ۱۱۳ - ۸۳، ذاریات/ ۳۷ - ۲۴، هود/ ۷۶ - ۶۹، حجر/ ۵۱ و نحل/ ۱۲۳ - ۱۲۰. براساس روایت‌ها در زمان تولد حضرت ابراهیم (ع) منجمان به «نمرود بن کنعان» خبر دادند که به زودی پسری متولد می‌شود که حکومت تو را به هم می‌ریزد و سبب نابودی و از بین رفتن عزت و شوکت تو می‌شود. نمرود از شنیدن این خبر عصبانی شد و برای پیشگیری از این خطر دستور داد که زنان را از شوهرانشان جدا کنند. برای زنان باردار نیز مأموران و قابله‌هایی را گماشت که مواظب آنان باشند و جنس نوزاد را گزارش کنند و اگر نوزاد، پسر باشد، او را به قتل برسانند. کنترل شدید در همه جا اجرا شد. جلادان نمرود همه جا را زیر نظر داشتند و نوزادان پسر را می‌کشیدند. کار به جایی رسید که به نوشته بعضی از تاریخ‌نویسان هفتاد و هفت تا صد هزار نوزاد کشته شد. ولی در عین حال تاریخ، پدر ابراهیم (ع) به دور از کنترل مأموران با همسرش همبستر شد و نور ابراهیم (ع) در رحم مادرش منعقد شد (سپهر کاشانی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۱۶۰) مأموران و قابله‌های نمرودی بارها مادر ابراهیم (ع) را معاینه کردند، ولی نفهمیدند که او باردار است. خداوند این وجود با برکت را در رحم مادر از چشم بداندیشان مصون داشت، تا اینکه دوران زایمان فرا رسید. در آن زمان، قانونی در میان مردم رواج داشت که زنان در هنگام قاعدگی به بیرون شهر می‌رفتند و پس از پایان آن، به شهر بازمی‌گشتند. مادر ابراهیم (ع) تصمیم گرفت به بهانه این رسم از شهر بیرون رود و در آنجا دور از دید مردم، شاهد تولد نوزادش باشد. همین تصمیم اجرا شد؛ مادر از شهر خارج شد و به غاری

کانون روایت در ماجرای تولد حضرت ابراهیم (ع)

ژنت سه عامل روایت (Recit)، داستان (histoire) و عمل روایتی (Narration) را از یکدیگر متمایز می‌کند. منظور از روایت، یک متن روایی است که نه تنها شامل گفتمان بیان‌شده است؛ بلکه شامل گفتمان بیان‌شده کنشگران و نقل قول‌هایی است که راوی از گفته‌های کنشگر ارائه کرده است. بنابراین روایت در زنجیره و در تناوب گفتمان‌های راوی و گفتمان کنشگران شکل می‌گیرد. محتوای روایی روایت، داستان نامیده می‌شود؛ همان‌طور که «روایت»، گفتمان را با گفتمان کنشگران ترکیب می‌کند، به همان شکل نیز «داستان» شامل کنشی است که موضوع گفتمان راوی را شکل می‌دهد و نیز شامل حوادثی است که با گفتمان کنشگران بازآفرینی می‌شود. بنابراین داستان تلفیقی از دنیای روایت‌شده و دنیای نقل‌شده است (لینت ولت، ۱۳۹۰: ۲۵).

در این پژوهش سه سطح روایی داستان، متن روایی و روایتگری داستان تولد حضرت ابراهیم (ع) و مؤلفه‌های رابط این سطوح «زمان دستوری: نظم و ترتیب، تداوم، بسامد»، «وجه یا حال و هوا: فاصله و کانونی‌شدگی» و «صدا یا لحن» بر اساس نظریه ژنت تحلیل و بررسی می‌شود تا آشکار شود با وجود اینکه قرآن سال‌ها پیش نازل شده، قصص قرآنی را می‌توان بر مبنای نظریات روایت‌شناسی بررسی کرد.

۱. زمان دستوری

آرایش رخدادها در روایت از نظر «زمانی» است و در پرتو گاهشمارانه میان داستان و متن روایی معنا می‌یابد. این مشخصه سه مقوله «نظم و ترتیب» (order)، «تداوم» (Duration) و «بسامد» (Frequency) را شامل می‌شود. (تولان، ۱۳۸۳: ۵۵)

عمده بحث مؤلفه زمان -که بر آرای ژرار ژنت استوار است- این است که میان زمان گاهشمارانه سطح داستان و زمان گاهشمارانه سطح متن، رابطه برقرار کند. زمان داستان، رابطه گاهشمارانه میان حوادث داستان است، بدان گونه که در اصل رخ داده است و زمان متن، چگونگی جایگزین کردن این حوادث در سطح متن است؛ برای نمونه سرگذشت پیامبران یا اقوام پیشین همانند سرگذشت واقعی هر فرد و قومی بر اساس سیر گاهشمارانه و از ابتدا تا انتها (از کودکی تا موت) اتفاق افتاده است. «این سیر گاهشمارانه و تقویمی حوادث را سیر زمان در داستان یا طرح اولیه یا فابولا می‌نامند؛ اما می‌دانیم که به‌طور عموم در ادبیات داستانی و به‌ویژه در قصص قرآنی امکان ندارد که تمامی حوادث سطح داستان موبه‌مو در سطح متن ذکر شود و تمام زمان گاهشمارانه حوادث داستان در متن پیش روی خواننده قرار گیرد، بلکه با توجه به بافت و حال و هوای مورد نظر رابطه‌ای میان این دو زمان ایجاد می‌شود» (حرّی، ۱۳۸۷: ۹۷). گاهی میان سیر زمان حوادث در سطح داستان و سطح متن رابطه متناظر برقرار است؛ از این رو رابطه زمانی این دو سطح عادی است. گاهی میان این دو زمان نوعی اختلال رخ می‌دهد و به دو نوع زمان‌پریشی در متن منجر می‌شود: گذشته‌نگری و آینده‌نگری. ژنت از این نوع اختلالات زمانی به زمان‌پریشی تعبیر می‌کند. این دوگانگی زمانی، یعنی زمان داستان و زمان روایت ویژگی کلی روایت‌هاست. (همان)

در قصص قرآنی بسته به بافت و موقعیت سوره، نقل داستان‌ها کم یا زیاد می‌شود؛ اما این گونه نیست که داستان‌ها به تمامی از ابتدا تا انتها ذکر شود. گاهی بخشی از داستان پیامبران نقل می‌شود؛ آن گاه زمان

لازم به ذکر است که تمام روایت‌هایی که به گذشته مربوط است، از دل زمان حال برمی‌آیند. رخدادهای زمان گذشته دور در این داستان عبارت‌اند از:

- ادعای خدایی نمرود
- پیشگویی منجمان در مورد تولد ابراهیم (ع)
- جدا کردن زنان از شوهرانشان برای پیشگیری از بارداری آنها

- کشتن نوزادان پسر
- تولد ابراهیم (ع)
- ماندن ابراهیم (ع) در غار تا سیزده سالگی
- آمدن حضرت به شهر بعد از سیزده سالگی
- خدانشناسی ابراهیم (ع) با دیدن ماه، ستارگان و

خورشید.
رخداد گذشته نزدیک در این داستان، روایت این داستان از جانب خدای متعال بر حضرت محمد (ص) است.

۱-۲. تداوم

تداوم «رابطه میان مدت زمانی است که رخدادی معین در طول آن زمان در داستان اتفاق می‌افتد و تعداد صفحاتی از متن روایی که به نقل آن رخداد اختصاص دارد». (تایسن، ۱۳۸۷: ۳۲۷)

در قصص قرآنی، گاه سرعت نقل حوادث سطح داستان در سطح متن افزایش می‌یابد؛ به دیگر سخن، مقادیری از زمان داستان در سطح متن حذف می‌شود. حذف دو نوع است: صریح و تلویحی. در حذف صریح مشخص می‌شود که چه مقدار از داستان حذف شده است. در حذف تلویحی، هیچ اشاره روشنی به تغییر یا تبدیل در زمان داستان نمی‌شود؛ برای نمونه، گاهی سرگذشت پیامبری در بیش از بیست آیه به روشنی ذکر می‌شود، گاهی نیز

روایی به گذشته‌ای از زندگی آن پیامبر بازمی‌گردد (گذشته‌نگر بیرونی)؛ گاه روایت به جایی در اوایل داستان پیامبران برمی‌گردد؛ اما این نقطه در درون داستان اصلی قرار دارد (گذشته‌نگر درونی)؛ گاهی نیز دوره زمانی گذشته‌نگر بیرونی از دل روایت اصلی سر برمی‌آورد یا به درون آن می‌پرد (گذشته‌نگر مرکب). البته همان‌گونه که در ادبیات داستانی روایی نیز مرسوم است، در قرآن قطع رشته حوادث و در کل، گذشته‌نگرها بدون منطوق صورت نمی‌گیرد. (همان: ۹۸)

۱-۱. نظم و ترتیب

در این مقوله رابطه بین توالی زمانی و رخدادها در داستان و توالی زمانی آن‌ها در متن روایی بررسی می‌شود و معیار و امکان تطبیق نعل به نعل میان زمان داستان و زمان متن روایی وجود دارد. عمده‌ترین انواع ناهماهنگی میان «نظم داستان» و «نظم متن روایی»، «بازگشت به گذشته یا پس‌نگری» (flash back) و «آینده‌نگری یا پیش‌نگری» (flash forward) است. بازگشت به گذشته، روایت رخداد داستان پس از نقل رخدادها سپری شده متن روایی است. گویی روایت به گذشته‌ای در داستان رجعت می‌کند؛ اما روایت آینده‌نگر، روایت داستان پیش از نقل رخدادها اولیه است. گویی روایت به آینده‌ای در داستان می‌رود. بر این اساس «زمان‌پریشی» (Anachronism) «ناهماهنگی میان متن داستان و متن روایی» است. (ریمون‌کنان، ۱۳۸۷: ۶۵-۶۶)

درباره رخداد زمان حال قصه حضرت ابراهیم (ع) باید گفت که داستان مربوط به زمان گذشته دور است که در زمان حال (دوران پیامبر) از طریق جبرئیل بر حضرت محمد (ص) نازل شده است.

۱-۳. بسامد

بسامد (frequency): رابطه میان راه‌های تکرار رخدادها در داستان و در متن روایت است (تایسن، ۱۳۸۷:۳۷۲). بسامد به یکی از سه شکل زیر ظاهر می‌شود:

الف) بسامد مفرد: بسامد مفرد متداول‌ترین نوع بسامد است که در آن رخدادی را که یکبار اتفاق افتاده است، یکبار روایت کنند. همچنین روایت چندباره رخدادی که چندین بار اتفاق افتاده باشد از نوع بسامد مفرد به شمار می‌آید، زیرا هر یکبار روایت آن متناظر با یکبار رخ دادن آن در داستان است. (ژنت، ۱۹۸۰: ۱۱۴)

ب) بسامد مکرر: در این نوع بسامد، رخدادی را که فقط یکبار اتفاق افتاده باشد، چندین بار روایت می‌کنند. یک رویداد را ممکن است اشخاص مختلف و یا با دیدگاه‌های متفاوت روایت کنند و یا یک شخص در زمان‌های مختلف روایت کند (همان: ۱۱۵). در واقع بسامد مکرر نقل مکرر و چندباره رویدادی است که یکبار رخ داده است.

ج) بسامد بازگو: نقل یکباره رویدادی است که چند بار رخ داده است. (تولان، ۱۳۸۳: ۵۹-۶۱)

بسامدها در این داستان عبارت‌اند از:

- ادعای خدایی نمود بارها تکرار شده؛ اما در متن تنها یکبار آورده شده است (بسامد بازگو).

- پیشگویی منجمان درباره تولد حضرت ابراهیم (ع) یکبار اتفاق افتاده و یکبار در متن آورده شده است (بسامد مفرد).

- جدا کردن زنان از شوهرانشان برای پیشگیری از بارداری مدت‌ها ادامه داشته؛ اما یکبار در روایت آورده شده است (بسامد بازگو).

در یک آیه به کنایه؛ مثل داستان مهمانان وارد شده بر ابراهیم (ع) در سوره ذاریات (حرّی، ۱۳۸۷: ۹۹). تداوم مشخص می‌کند که روایت چگونه می‌تواند قطعه‌ای را حذف کند، بسط دهد، خلاصه کند، درنگ و کوتاهی ایجاد کند و نظایر آن (ایگلتون، ۱۳۸۶: ۱۴۵-۱۴۶).

تداوم در رخدادهای زمان گذشته دور در این داستان عبارت است از:

- ادعای خدایی نمود که مدت زمان زیادی را دربرداشت، در یک سطر آمده است.

- پیشگویی منجمان در یک جمله آمده است و از نظر زمانی در آغاز داستان آورده شده است.

- رخداد جدا کردن زنان از شوهرانشان برای پیشگیری از بارداری، در هشت سطر آمده است و مدت زمان چند ماه را دربردارد.

- کشتن نوزادان پسر به مدت چند ماه انجام گرفته و در یک سطر آورده شده است.

- تولد حضرت ابراهیم (ع) در یک روز صورت گرفت و این رخداد در چند سطر آورده شده است.

- ماندن حضرت ابراهیم (ع) تا سیزده سالگی در غار به مدت طولانی بوده؛ اما در چند سطر آورده شده است.

- خداشناسی ابراهیم (ع) با دیدن ماه، ستارگان و خورشید که در قرآن کریم آن یک لحظه در چند آیه آورده شده است.

تداوم در رخدادهای زمان گذشته نزدیک در این داستان عبارت است از: روایت این رخداد (تولد حضرت ابراهیم) - که از نظر زمانی مربوط به سال‌های پیش است - از جانب خدای متعال بر حضرت محمد (ص) در یک صفحه آورده شده است.

به روش تلسکوپ کانونی شده و راوی از نقل آن می‌گذرد و یا مسئله، به نمایش گذاشتن روایت است که به روش میکروسکوپ کانونی شده و راوی، نقل خود را با شرح جزئیات و به‌آهستگی بیان می‌کند. (کالر، ۱۳۸۵: ۱۲۱-۱۲۰)

منظور از فاصله، فاصله میان داستان و روایتگری است که بیشترین فاصله میان دو سطح یاد شده، نتیجه ترکیب بیشترین حضور راوی و ارائه حداقلی اطلاعات و جزئیات است و کمترین فاصله، از ترکیب ارائه بیشترین اطلاعات و کمترین حضور راوی به دست می‌آید. (تایسن، ۱۳۸۷: ۳۷۳-۳۷۴)

راوی داستان حضرت ابراهیم (ع) خداوند متعال (سوم شخص و دانای کل) است. خداوند با ارائه بیشترین اطلاعات درباره چگونگی تولد حضرت ابراهیم (ع) فاصله داستان و متن راوی را به حداقل می‌رساند و در نتیجه، متن واقع‌گرایانه است.

۲-۲. کانونی‌شدگی

کانونی‌شدگی یکی از اصطلاحات مهم نظریه ژنت است. منظور از کانونی‌شدگی زاویه دیدی است که هر بخش معین از متن راوی از منظر آن دیده می‌شود. به نظر ژنت فاعل کانونی‌شدگی «کانونی‌گر» است. کانونی‌گر کارگزاری است که می‌نگرد و نگریسته‌های او در متن راوی ثبت می‌شود. مفعول کانونی‌شدگی «کانونی‌شده» است. کانونی‌شده کسی یا چیزی است که کانونی‌گر مشاهده‌اش می‌کند. (ریمون کتان، ۱۳۸۷: ۹۹-۱۰۲).

کانون روایت برتر دیدگاهی است که از بالا به وقایع و آدم‌ها نگاه می‌کند، چون جایگاهش برتر است، به شکل راوی دانای کل به کار می‌رود. این دیدگاه از نظر ژنت «روایت بدون شعاع کانونی (now focalized)» است که در آن، اطلاعات راوی از

- کشتن نوزادان پسر مدت‌ها ادامه داشته و صدها نوزاد کشته شده؛ اما یک‌بار آورده شده است (بسامد بازگو).

- تولد حضرت ابراهیم (ع) یک‌بار اتفاق افتاده و یک‌بار آورده شده است (بسامد مفرد).

- مادر ابراهیم (ع) بارها معاینه شده؛ اما یک‌بار در متن به آن اشاره شده است (بسامد بازگو).

- آمدن حضرت ابراهیم (ع) بعد از سیزده سالگی یک‌بار اتفاق افتاده و یک‌بار در متن آورده شده است (بسامد مفرد).

- درباره چگونگی زندگی حضرت ابراهیم (ع) در غار و سر زدن مادرش به او تنها یکی دو جمله گفته شده است و این را می‌توان جزء «بسامد بازگو» قرار داد. این رخداد در دنیای واقعی بارها اتفاق افتاده؛ اما در متن روایی یک‌بار روای شده است.

۲. وجه یا حال و هوا

وجه به عنوان یکی از جنبه‌های سخن روایی تابعی است از رابطه نقل و داستان؛ اما بیشتر با منظرها سر و کار دارد تا رخدادها. «وجه یا حالت یعنی راوی دیده‌های چه کسی را در روایت خود ارائه می‌دهد؛ از این رو در یک اثر داستانی وجه، مسائل مربوط به فاصله و منظر را در بر دارد» (اسکولز، ۱۳۸۳: ۲۳۲). در ادامه به این دو بخش و تحلیل آن در داستان حضرت ابراهیم (ع) می‌پردازیم.

۲-۱. فاصله (Distance)

وجه یک سخن در میزان فاصله‌ای که روایت با بیان راوی دارد، نهفته است؛ به بیان دیگر از دیدگاه ژنت، فاصله به رابطه روایت کردن با مقصود بیان آن می‌پردازد و اینکه آیا مسئله، تنها روایت کردن است که

شخصیت‌ها بیشتر است و معمولاً زیادتر از آنها حرف می‌زند» (اخوت، ۱۳۷۱: ۹۷).

خداوند متعال در مقام صاحب اصلی قرآن از رهگذر وحی به واسطه جبرئیل و از زبان پیامبر (ص) در مقام راوی، قرآن را برای هدایت مردم هم‌عصر پیامبر (ص) و سایر دوران‌ها فرو فرستاده و حوادث در گذشته اتفاق افتاده است. سپس از طریق وحی به پیامبر (ص) نازل شده، به این گونه روایت روایت گذشته‌نگر می‌گویند. شیوه روایتگری در قصه تولد حضرت ابراهیم (ع) سوم شخص دانای کل است. اتفاقات گذشته از طریق وحی بر پیامبر نازل می‌شود. متن روایی داستان حضرت ابراهیم (ع) ثبت مشاهدات راوی-کانونی‌گر است. این راوی-کانونی‌گر، چند کانونی‌شده دارد. اولین کانونی‌شده جبرئیل و سپس پیامبر (ص) است، زیرا این متن روایی از طریق جبرئیل بر پیامبر (ص) نازل شده است و در واقع کانونی‌شده خارجی هستند. کانونی‌شده دیگر حضرت ابراهیم (ع) است که او کانونی‌شده داخلی است، زیرا علاوه بر چگونگی تولد او، افکار و احساسات و حالات روحی و عاطفی او را بازمی‌نماید. در چند نمونه زیر «کانونی‌شدگی داخلی» حضرت ابراهیم (ع) مشهود است: «منجمین خبر دادند: به زودی پسری متولد می‌گردد که حکومت تو را به هم می‌ریزد و سبب نابودی و از بین رفتن عزت و شکوه تو می‌گردد» (مجلسی، ۱۳۸۹: ۴۱/۱۲)

«ابراهیم (ع) از دیدن ستارگان و ماه و فردایش از دیدن خورشید، خداشناسی و توحید را در عالم آن روز ترسیم کرد و گفت: همه این‌ها دلیل خداشناسی است و نشان می‌دهد که آفریدگاری این اجرام آسمانی را پدید آورده است» (انعام: ۷۴-۸۰). دیگر کانونی‌شده این متن روایی «نمرود بن

کنعان» است. او نیز کانونی‌شده داخلی است، زیرا در مورد حالات درونی و احساسات باطنی او آمده است: «نمرود ادعای خدایی می‌نمود و با استفاده از جهالت مردم بر آنان حکومت مطلقه داشت. از شنیدن این خبر تکان خورده و به خود پیچید و سؤال کرد...» (مجلسی، ۱۳۸۹: ۴۱/۱۲)

دیگر کانونی‌شده داخلی مادر حضرت ابراهیم (ع) است که دوران وحشتناکی را با تحمل مشقت‌ها و رنج‌های گوناگون پشت سر گذاشت و مدام نگران بود. منجمان، مأموران، قابله‌ها و جلادان کانونی‌شده‌های خارجی هستند؛ البته نه به اعتبار توصیف وضعیت ظاهری و بیرونی آن‌ها، زیرا راوی درباره ظاهر این افراد اطلاعاتی به دست نمی‌دهد، بلکه به اعتبار کنش و گفته‌های آن‌ها در متن روایی. کانونی‌گر مستقیماً حالات درونی آن‌ها را ذکر نمی‌کند و خواننده باید با توجه به گفتار و رفتار آن‌ها در متن روایی، شخصیت آن‌ها را بازسازی کند. کانونی‌شده‌های خارجی متن روایی -که غیرانسانی‌اند- عبارت‌اند از: غار، ستارگان، ماه، خورشید، شهر و ...

از منظر کانونی‌شدگی، می‌توان گفت که کانونی‌شدگی تولد حضرت ابراهیم (ع) به اعتبار کانونی‌گر، «ثابت» است، یعنی متن روایی از آغاز تا پایان کانونی‌گر - راوی ثابتی دارد؛ اما به اعتبار کانونی‌شده‌ها، کانونی‌شدگی این متن روایی متغیر است، زیرا علاوه بر کانونی‌شده اصلی (حضرت ابراهیم) کانونی‌شده‌های اصلی و فرعی دیگری نیز دارد که پیوسته از یکی به دیگری تغییر می‌کند.

درباره وجوه کانونی‌شدگی در متن روایی قصه حضرت ابراهیم (ع) باید گفت که مکان و زمان دو مؤلفه مهم و تعیین‌کننده در وجه ادراکی است. راوی - کانونی‌گر قصه تولد ابراهیم (ع) به دلیل اینکه

بحث و نتیجه گیری

داستان تولد حضرت ابراهیم (ع) داستانی روایتمند است. این داستان با توجه به اینکه وحی و از جانب پروردگار است و هزار و چهارصد سال پیش بر پیامبر (ص) نازل شده؛ اما عناصر هنری نیز در آن وجود دارد. این وجه می‌تواند یکی از دلایل اعجاز قرآن باشد، هرچند تا کنون بیشتر جنبه‌های دین‌شناختی داستان‌های قرآنی مورد توجه قرار گرفته و کمتر به جنبه‌های هنری و ادبی آن پرداخته شده است. در این مقاله داستان حضرت ابراهیم (ع) براساس مؤلفه‌های روایت‌شناسی ژرار ژنت (روایت‌شناس معاصر) مورد بررسی قرار گرفت. این بررسی نشان داد که می‌توان قصص قرآنی را بر اساس نظریات روایت‌شناسان بررسی کرد و به نتایج قابل توجه و جالبی نیز دست یافت. قصه حضرت ابراهیم (ع) مربوط به زمان گذشته دور است که در زمان حال (دوران پیامبر) از طریق جبرئیل بر حضرت محمد (ص) نازل شده است. بسامد یا رابطه میان راه‌های تکرار رخدادها در داستان و در متن روایت در هر سه شکل بسامد مفرد، مکرر و بازگو در این داستان ظاهر می‌شود. روای داستان حضرت ابراهیم (ع) خداوند متعال (سوم شخص و دانای کل) است که با ارائه بیشترین اطلاعات درباره چگونگی تولد حضرت ابراهیم (ع) فاصله داستان و متن روایی را به حداقل می‌رساند. به این دلیل این روایت به متنی واقع‌گرایانه تبدیل می‌شود. روای-کانونی‌گر قصه تولد ابراهیم (ع) به دلیل اینکه دانای

سوم شخص دانای کل است، بر مکان و زمان نامحدود نظارت دارد و از نگاه خود مشاهدات را ثبت می‌کند. این کانونی‌گر از اولین رخداد گذشته دور تا زمان حال دوران حضرت ابراهیم (ع)، درباره مکان‌ها و زمان‌هایی سخن می‌گوید که خود ناظر آنها بوده است.

۳. صدا و لحن

منظور از صدا (voice) همان صدای راوی است. هنگام تحلیل صدا رابطه راوی با داستان و نیز با متن روایی بررسی می‌شود. صدا در تعیین جایگاه، موضع راوی و اعتبار او به ما کمک می‌کند. راوی می‌تواند حوادث قبل، بعد و یا هم‌زمان با وقوع آنها را روایت کند. راوی ممکن است «بیرونی یا خارج از روایت خود» (Heterodiegetic) باشد، یا مانند روایت‌هایی که از زبان اول شخص بیان می‌شود، «درونی یا داخل روایت خود» (Homodiegetic)، و نه تنها داخل روایت خود، بلکه شخصیت اول آن نیز باشد. (برتنس، ۱۳۸۷: ۹۰-۸۹)

در این متن روایی، راوی خداوند متعال با ضمیر سوم شخص دانای کل است. خواننده تمام رخدادها را به وسیله کلام خداوند درمی‌یابد و مخاطب، پیامبر (ص) و بندگان هستند. این داستان متنی ساختارمند است، زیرا سطح داستانی و روایی و ترتیب و توالی زمانی و علی رخدادها را می‌توان در متن مشاهده کرد. رخدادها از قبل از تولد تا سیزده سالگی به ترتیب آورده شده است.

تهران: انتشارات بنیاد سینمایی فارابی.
حرّی، ابوالفضل (۱۳۸۷). «احسن القصص: رویکرد
روایت‌شناختی به قصص قرآنی». *مجله نقد ادبی*،
سال اول، تابستان، شماره ۲. صص ۸۳-۱۲۲.

_____ (۱۳۸۸). «سنخ‌شناسی و وجوه تمایز
قصص قرآنی». *مجله پژوهش زبان و ادبیات
فارسی*، زمستان، شماره ۱۵. صص ۱-۲۸.

دزفولیان، کاظم؛ مولودی، فؤاد (۱۳۹۰).
«روایت‌شناسی یک داستان کوتاه از هوشنگ
گلشیری بر اساس نظریه ژرار ژنت». *فصلنامه
متن‌پژوهی ادبی*، شماره ۵۰. صص ۵۳-۸۰.
ریمون‌کنان، شلومیت (۱۳۸۷). *روایت داستانی:
بوطیقای معاصر*. ترجمه ابوالفضل حرّی. تهران:
نیلوفر.

سپهر کاشانی، محمدتقی (لسان‌الملک) (۱۳۸۰).
ناسخ‌التواریخ زندگانی پیامبر. ج ۱. به کوشش
جمشید کیان‌فر. تهران: اساطیر.
علی‌زاده، ناصر؛ سلیمیان، سونا (۱۳۹۱). «کانون
روایت در الهی‌نامه عطار براساس نظریه ژنت».
مجله پژوهش‌های ادب عرفانی (گوهر گویا)،
شماره ۲۲. صص ۱۱۳-۱۴۰.

غلامرضا، علی‌اصغر (۱۳۸۹). «ساختار روایت در
قصه‌های قرآن مجید». *مجله پژوهش‌های
ارتباطی*، زمستان، شماره ۶۴. صص ۳۱-۵۰.
کالر، جاناتان (۱۳۸۵). *نظریه ادبی (معرفی بسیار
مختصر)*. ترجمه فرزانه طاهری. تهران: نشر
مرکز. چاپ دوم.

کل است، بر مکان و زمان نامحدود نظارت دارد و از
نگاه خود مشاهدات را بیان می‌کند. این داستان را
می‌توان روایتی ساختارمند دانست، زیرا سطح
داستانی و روایی و ترتیب و توالی زمانی و علی
رخدادها را می‌توان در متن به‌خوبی مشاهده کرد.

منابع

قرآن کریم.
آسابرگر، آرتور (۱۳۸۰). *روایت در فرهنگ عامیانه*.
رسانه و زندگی روزمره. ترجمه محمدرضا
لیراوی. تهران: سروش. چاپ اول.
اخوت، احمد (۱۳۷۱). *دستور زبان داستان*. اصفهان:
نشر فردا. چاپ اول.
اسکولز، رابرت (۱۳۸۳). *درآمدی بر ساختارگرایی در
ادبیات*. ترجمه فرزانه طاهری. تهران: نشر مرکز.
چاپ دوم.
ایگلتون، تری (۱۳۸۶). *پیش‌درآمدی بر نظریه ادبی*.
ترجمه عباس مخبر. تهران: نشر مرکز. چاپ
چهارم.
تایسن، لیس (۱۳۸۷). *نظریه‌های نقد ادبی معاصر*.
ترجمه مازیار حسین‌زاده و فاطمه حسینی. تهران:
نگاه امروز.
تمیم‌داری، احمد (۱۳۷۹). *داستان‌های ایرانی (۱)*.
تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی. چاپ
دوم.
تولان، مایکل جی. (۱۳۸۳). *درآمدی نقدانه-
زبان‌شناختی بر روایت*. ترجمه ابوالفضل حرّی.

میرصادقی، جمال (۱۳۷۶). *ادبیات داستانی*. تهران: سخن.

Genette, Gerard (1980). *Narrative Discourse. An essay in method*. trans. Jane E. Lewin. Ithaca New York: Cornell University Press.

Mir, Mustansir (1986). "The Qur'anic Story of Joseph: Plot, Themes, and Characters." *Muslim World* 76.1, pp. 1-15.

لینت ولت، ژپ (۱۳۹۰). *رساله‌ای در باب گونه‌شناسی روایت*. ترجمه علی عباسی و نصرت حجازی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

مجلسی، محمدباقر (۱۳۸۹). *بحارالانوار*. ج ۱۲. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

ملبویی، محمدتقی (۱۳۷۶). *تحلیلی نو از قصص قرآن*. تهران: امیرکبیر.

